



فصل پنجم

مسئولیت اجتماعی و فرهنگی

فرهنگ مقوله‌ای پیچیده و تخصصی

تحقیقات جامع فرهنگی، پیش از این نیز در سطح بالای کشور انجام و گزارش مفصل آن به مقامات کشوری ارائه شده است. به طوری که بسیاری از توصیه‌هایی که در مورد آسیب‌های اجتماعی می‌شود؛ مربوط به اطلاعاتی است که از این تحقیقات استخراج شده است. باید توجه داشت که دانشگاه داخل نرده‌های سبز و جدای از کشور نیست، لذا در تحلیل و قضاوت‌ها باید شرایط کشور هم در نظر گرفته شود.

پرداختن به مسائل فرهنگی نیاز به بررسی ده‌ها رشته تخصصی اعم از جامعه‌شناسی، روانشناسی و... دارد تا بتوانند با پاتولوژی و آسیب‌شناسی دقیق، در مان صحیح ارائه دهند. در مورد مسائل فرهنگی نباید ناامید شد و باید به سهم خود به اصلاح محیط اطرافمان پردازیم. پیش از انقلاب، مباحث فرهنگی در دانشگاه‌ها مطرح نبود ولی با این حال دانشجویان به صورت خودجوش در این زمینه فعالیت‌هایی انجام می‌دادند. برای نمونه: در خوابگاه امیرآباد، امکان فعالیت‌های فوق برنامه برای دانشجویان با گرایش فکری مختلف وجود داشت؛ از سالن ورزشی سنتی زورخانه‌ای تا سالن ورزشی مدرن، سالن سینما و سالن مطالعه ۲۴ ساعته که همه این‌ها از سوی دانشجویان مدیریت می‌شد. در سالن‌های عمومی خوابگاه‌ها، تلویزیون و روزنامه قرار داشت و نسبتی از این امکانات در دانشکده‌ها در دسترس دانشجویان بود. بدین صورت که دانشجویان با پول خود کتاب‌های کتابخانه و یا وسایل کوهنوردی و... را تهیه می‌کردند. دانشجویان به راحتی می‌توانستند تصمیم گرفته و برنامه‌ریزی کنند که از کدام یک از امکانات استفاده کنند. انرژی مثبت یک کوه‌پیمایی دسته‌جمعی تا یک ماه یا بیش از آن، انگیزه و روحیه بالایی را در دانشجویان تقویت می‌کرد و تأثیر این کوه‌پیمایی آخر هر هفته، هنوز هم در انرژی و تفکرات آن نسل ادامه دارد.

هم اکنون در حوزه دانشجویی، زمینه برای کار، اصلاح و تأثیرگذاری وجود دارد. باید زمینه رشد دانشجویان فراهم شود. اگر دانشجویان ببینند مسئولان به وظایف خود به درستی عمل می‌کنند، آن‌ها نیز نظرات و رفتارشان را تغییر می‌دهند. بسیاری از مسائلی که به حوزه فرهنگی دانشگاه مربوط می‌شود حیطه وسیعی داشته و عوامل بسیاری بر آن و رفتار دانشجویان تأثیر می‌گذارد.

تشخیص و اصلاح رفتارهای اجتماعی به‌ویژه در حوزه هیئت علمی و دانشجویان امر پیچیده‌ای بوده و جوانان نخبه ۱۸ ساله‌ای که پس از دبیرستان، وارد دانشگاه می‌شوند به دلیل دسترسی به فضاهای علمی و مجازی، بسیاری از مسائل را بهتر و بیشتر از نسل‌های قبل از خود درک می‌کنند؛ بنابراین باید فرآیند تخصصی جامعه‌شناسی و روانشناسی و... طی شود تا بررسی کند این افراد در چه محیط خانوادگی بزرگ شده‌اند و اکنون که به دانشگاه آمده‌اند، مسئولان دانشگاه چگونه می‌توانند بر رفتار آنان تأثیر بگذارند.

موضوعات فرهنگی ساده نبوده و نمی‌توان آن‌را در قالب یک یا دو برنامه اجرا کرد. دانشگاه قطعه کوچکی از پازل فرهنگی کشور است که رفتار مسئولان رده‌های مختلف بر آن اثر می‌گذارد. هر چند مسائل فرهنگی متعدد و تخصصی است اما برای اصلاح آن نباید ناامید شد. دانشگاه سرمایه‌های خوب بسیاری دارد که باعث می‌شود نگاه به آینده نگاهی امیدوارانه باشد. اعضای هیئت علمی و هیئت رئیسه دانشگاه در رویارویی با دانشجویان باید از بیان ناامیدی‌ها پرهیزند و از آینده، دورنمای روشن و امیدوارکننده ارائه دهند.

حفظ تعادل در گفت‌وگو با جامعه

بحث دیگر حفظ تعادل در صحبت با جامعه است به این صورت که نباید مردم را ترساند چون ترساندن زیاد باعث می‌شود دیگر به پیام‌ها گوش ندهند و همچنین



نباید شرایط را عادی جلوه داد چون ممکن است دیگر رعایت نکنند و اتفاقات بدتری رخ دهد.

تصمیمی بگیرید که به نفع دانشگاه باشد

روحیه کاری افراد باید به گونه‌ای تقویت شود که زمانی که متوجه شدند تصمیم‌گیری یا انجام کاری به نفع دانشگاه است، حسابگری‌های سیاسی و شخصی را کنار گذاشته و کاری را که درست است انجام دهند. حتی اگر عوارضی برای خود او به همراه داشته باشد. دانشگاه در کنار مأموریت‌های مهم خود دو نقش اصلی آموزشی و پژوهشی را برعهده دارد و بایستی این آمادگی را نیز داشته باشد که بتواند به نیازها و سؤالات جامعه پاسخ دهد.

عملکرد دانشگاه در عرصه صیانت از حقوق شهروندی

در این دوران شرایط اداره بیمارستان‌ها و دانشکده‌ها شرایط خاصی است. افزون بر مسائل اقتصادی و سیاسی کشور، بحران کووید ۱۹ نیز به این عوامل اضافه شده است. در این شرایط، بازدید، بازرسی و نظارت بر بیمارستان‌ها، باید متفاوت باشد. به جای بررسی عملکرد بیمارستان‌ها با یک تیک زدن و پرکردن چک لیست، باید نگاه ناظران و ارزیابان به عملکرد سیستم، اصلاح گرایانه و مشفقانه باشد. با توجه به شرایط کشور و چالش‌هایی که در اداره بیمارستان‌ها وجود دارد این مراکز با مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند که باید کمکشان کرد. یک رویکرد؛ این است که بازدید، صرفاً به منظور جمع‌آوری مستندات انجام شود؛ ولی رویکرد بهتر این است که عملکرد واقعی و آنچه در حال انجام است و مستند نشده نیز مورد توجه قرار گیرد. البته باید محتوای مجموعه‌ها نیز مدنظر قرار گیرند و این ضعف سیستم است که فعالیت‌های خود را مستند نمی‌کند.

مستندسازی دو جنبه دارد؛ گاهی کاری انجام شده ولی مستند نشده است و گاهی کاری که صورت نگرفته، مستند شده است؛ بنابراین ارزیابان باید در ارزیابی‌ها وقت بیشتری گذاشته و روش ارزیابی خود را ارتقا دهند. بازرسان باید در ارزیابی‌های خود از مدیر، مسئول فنی و رئیس بیمارستان بخواهند که بگویند چه کمکی می‌توان به آنان کرد و به‌عنوان چشم حوزة ریاست دانشگاه، چه مواردی را باید گزارش کرد که به حل مشکل آنان کمک کند. لازم است وقت بیشتری با مسئولان مراکز سپری شود و بازدید را فقط به پرکردن چک لیست محدود نکرد. ترجیح دانشگاه این است که بازدیدهای کمتری باشد ولی به لحاظ کیفی به حل مشکلات مراکز کمک شود.

احترام به بیمار سرلوحه قرار گیرد

شرایط بیمارستان‌های عمومی دانشگاه با بیمارستان‌های تک تخصصی یکسان نیست که بتوان آن‌ها را رتبه‌بندی کرد. با اینکه تمامی شاخص‌ها در ارزیابی صیانت از حقوق شهروندان به‌درستی تعریف شده است اما وقتی به مراکز رتبه اول و دوم داده می‌شود؛ باعث می‌شوید خیلی‌ها خانه‌نشین و بی‌انگیزه شوند. به جای رتبه‌بندی، باید کاری صورت گیرد که همه مراکز در احترام به بیمار، به رتبه بالایی دست پیدا کنند.

تأثیر به‌کارگیری ادبیات فاخر و رفتار مناسب در حل مسائل

در گفتگو با افراد باید از ادبیات فاخر استفاده کرد تا به دل مخاطب بنشیند و به حل مسئله کمک کند؛ بنابراین رفتار و ادبیات، در بیان نقطه‌ضعف‌ها و تأثیر مثبت و منفی که بر جای گذاشته می‌شود نقش مهمی دارد.



افتخار آفرینی دانشگاه حتی در شرایط سخت

در ارزیابی‌های وزارت بهداشت، دانشگاه از ۱۵ شاخص حوزه آموزش، در ۱۳ شاخص بافاصله زیاد از رتبه بعد از خود، جایگاه نخست را کسب کرد؛ در حوزه بهداشت و درمان تمامی مراکز بهداشت و درمانی دانشگاه خوش درخشیدند؛ در حوزه غذا و دارو با تعامل خوب معاونت غذا و دارو، مدیریت داروخانه‌های ۱۳ آبان و حوزه توسعه کمبودهای بیمارستان‌ها در زمینه دارو و تجهیزات تأمین شد و اگر نواقصی هم وجود دارد مربوط به کمبودهای کشوری است. در حوزه بین‌الملل نیز امسال ۲۸۳ دانشجوی بین‌الملل جذب شدند و در مجموع ۹۵۳ دانشجوی خارجی در دانشگاه مشغول تحصیل هستند. در حوزه دانشجویی نیز، در امکانات رفاهی دانشجویان و ساخت‌وساز خوابگاه‌ها رکورد خوبی ثبت شده؛ در حوزه پژوهش نیز دانشگاه همانند سال‌های گذشته رتبه خوبی دارد و تحقیقات هدفمند و مسئله‌محور انجام می‌شود. در حوزه فرهنگی اجتماعی نیز منابع خوبی از خیرین و سازمان‌های بیرون دانشگاه جذب شده است.

نگاه عمیق و تخصصی به مسائل فرهنگی دانشگاه

مسائل فرهنگی دانشگاه بسیار عمیق و پیچیده است. لذا افرادی که می‌خواهند سطح فرهنگی دانشگاه را قضاوت کنند باید از وجهه دانشگاهی و فرهنگی غنی برخوردار باشند. طی سال‌های گذشته مسئولان دانشگاه در زمینه تعهد حرفه‌ای برنامه‌ریزی بسیار خوبی داشتند و اطلاع‌رسانی گسترده‌ای نیز در بیمارستان‌ها صورت گرفته است که نشان می‌دهد مسائل فرهنگی دانشگاه باید به صورت تخصصی مورد بررسی قرار گیرد. خوابگاه‌های دانشجویی باید در شأن دانشگاه باشد تا دانشجویان نخبه و استعداد درخشانی که از سراسر کشور جذب این دانشگاه می‌شوند در شرایط بهتری زندگی کنند.

تاریخ پزشکی الهام‌بخش و آموزنده

آن‌هایی که به تاریخ واقف نیستند تصمیمات درستی هم نخواهند گرفت و مجبور خواهند شد تجربه‌های گذشته را با هزینه بیشتری تکرار کنند. برای ثبت درست وقایع تاریخ پزشکی در هر دورانی باید حداکثر تلاش را کرد و با برگزاری مراسم نکوداشت بزرگانی که کارهای ملی درخشانی در دانشگاه به ثمر رسانده‌اند، اقدام شایسته آنان را گرامی داشت. مطالعه تاریخ یعنی اتصال به یک منبع پراورزی که بسیار الهام‌بخش و آموزنده است، لذا پزشکان جوان باید تاریخ را بارها و بارها مطالعه کنند تا در خاطرشان باقی بماند.

نقش دانشگاه در کاهش آسیب‌های اجتماعی اعتیاد

رسیدگی به معضل اعتیاد فراتر از حوزه یک معاونت و دستگاه اجرایی است و نیاز به همکاری بین بخشی دارد. دانشگاه علوم پزشکی تهران با وجود منابع علمی موجود، تعداد بالای دانشجو و وسعت منطقه تحت پوشش خود در جنوب شهر تهران، این ظرفیت و توانمندی را دارد تا در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بر اساس راه‌حل‌های منطقی و قانونی عمل کند. معاونت‌های دانشجویی، آموزشی، بهداشت، درمان و تحقیقات و فناوری دانشگاه می‌توانند در این زمینه همکاری بهتری داشته باشند.

سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی، مفهومی چندبعدی است که نگاهی ارزشی به تعاملات اجتماعی در راستای دستیابی به اهداف کلان‌تر دارد. این سرمایه، زاده کنش



و واکنش‌های افراد در شبکه روابط اجتماعی است. امروزه سرمایه اجتماعی سازمانی، یکی از مهم‌ترین مباحث در مدیریت سازمان‌ها به شمار می‌رود. شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها در یک سازمان و همچنین انسان و سازمان هستند. سرمایه اجتماعی در دانشگاه به‌عنوان شبکه پیچیده‌ای از تعاملات اجتماعی موردسنجش قرار می‌گیرد.

سرمایه‌های اجتماعی و تاریخ گذشته به‌راحتی به دست نمی‌آید. ۱۶۹ سال قبل در سال ۱۲۳۱ امیرکبیر، با یک تصمیم شایسته دارالفنون را افتتاح کرد و سیزده روز قبل از شهادت ایشان، مدرسه طب و دارالفنون با همکاری ۷ پزشک اتریشی که یاکوب ادوارد پولاک معروف‌ترین آن‌هاست؛ تشکیل شد. حدود ۸۳ سال بعد، این تشکیلات به ضلع شمالی دانشگاه، یعنی اولین ساختمان آناتومی دانشکده پزشکی منتقل شد و دانشگاه تهران با سالن آناتومی فعالیت خود را آغاز کرد.

دارالفنون یادآور قدمت و تاریخ دانشگاه است. دانشگاهی که بیش از ۱۶۰ سال پیش به تصمیم انسان شریفی که فقط به فکر مدیریت دوران خود نبود و به آینده توجه داشت، تأسیس شد. هر فردی که در کشور مسئولیتی دارد، لازم است همین یک درس را از امیرکبیر بزرگ یاد بگیرد که به فکر دوران مدیریت، صدارت و وزارت خود نباشد و آینده را ببیند. همچنین به دلایل مختلف به نظر می‌رسد جامعه امروز نیازمند تربیت طبیب حکیم است که به‌جای بیماری، بیمار برایش مهم باشد و برای تحقق این امر، باید فکرهای عمیق‌تری صورت گیرد.

نیروی انسانی اصلی‌ترین سرمایه یک سازمان است و تمامی فرایندهای سازمانی توسط آن انجام می‌گیرد. رشد و تعالی نیروی انسانی در یک سازمان نیز به نتیجه رفتار تک‌تک مدیران باز می‌گردد. دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز سرمایه اصلی را نیروی انسانی می‌داند و هدف غایی آن رضایت مراجعینی است که از سطوح مختلف جامعه به دانشگاه مراجعه می‌کنند؛ چه آن روستایی که از دورترین

نقطه به امید مداوای بیماری خود به بیمارستان امام خمینی (ره) می‌آید و چه آن دانشجوی رتبه یک کشور که در این دانشگاه به تحصیل می‌پردازد، همه با رضایت‌مندی از این دانشگاه خارج شوند. ممکن نیست که پزشکان، پرستاران و دیگر کارکنان ناراضی باشند و مراجعین با رضایت از بیمارستان خارج شوند. پس باید این حلقه‌های گمشده را در مجموعه پیدا کرد و همواره تلاش کرد که از شعار دور شد و به عمل رسید و تمامی مدیران دانشگاه نیز باید در رفتار، این منش را ثابت کنند. آنچه مهم است این است که با وجود کمبودها هم می‌شود طوری رفتار کرد که رضایت نسبی حاصل شود. افراد یک مجموعه باید دیده شوند و شأن انسانی‌ها آنان حفظ شود. در رویکرد مدیریتی، باید به سرمایه‌های انسانی بها داده شود. از بنا و ساختمان‌های جدید کاری بر نمی‌آید؛ آنچه سرمایه اصلی دانشگاه محسوب می‌شود سرمایه انسانی است. این درودیوار و بنای فیزیکی یک مجموعه نیست که کار می‌کند؛ بلکه انسان‌ها هستند.

قدردانی از سرمایه‌های دانشگاه جزو وظایف همگان است. دانشگاه سرمایه‌های صدیق و مخلص بسیاری دارد که در سطوح مختلف فعالیت می‌کنند. در طول زمان‌های مختلف افراد بسیاری کارکردند که دانشگاه به چنین جایگاهی رسیده است و باید به گونه‌ای عملکرد آنان بازتاب پیدا کند.

نگاه مسئولان دانشگاه به سرمایه انسانی، توأم با اعتماد است. نگاه به محیط اطراف باید مبتنی بر اعتماد بیشتر باشد و این اعتماد به محیط‌های درمانی و بیمارستان‌ها نیز باید گسترش یابد. این سرمایه علاوه بر هیئت‌علمی و پرستاران شامل انسان‌های شریف دیگری همچون نگهبان جلوی در و افراد دیگری که در طبقه‌های زیر همکف نیز خدمت می‌کنند می‌شود. سیاست دانشگاه در هر شرایطی، حفظ سرمایه انسانی است و سرمایه انسانی شامل همه طیف‌های شاغل در دانشگاه می‌شود.



هیچ اقدامی مگر با مشارکت و همکاری تیمی افراد بسیاری در مجموعه صورت نمی‌گیرد. نباید فراموش کنیم این انسان‌ها هستند که سرمایه اصلی دانشگاه را در سطوح مختلف کارگر، کارمند، پزشک، پرستار و عده بسیاری در گروه‌های مختلف که در گوشه و کنار دانشگاه تلاش می‌کنند، تشکیل می‌دهند.

زمانی سرمایه اجتماعی ایجاد می‌شود که وقتی در دانشگاه مسائل بررسی می‌شود؛ خود را جای پرستاری گذاشت که در شیفت شب در بیمارستان آرش و در شرقی‌ترین نقطه تهران خدمت می‌کند و یا پرستاری که در بیمارستان روزبه با بیمارانی با مشکلات روانی سروکار دارد؛ بنابراین برای تصمیم‌گیری در دانشگاه باید آن را به صورت یک مجموعه کامل متشکل از ۲۳ هزار کارکنان، ۱۴ هزار دانشجو و ۲ هزار هیئت‌علمی در نظر گرفت و دید چند درصد از افراد این مجموعه به عنوان سرمایه اجتماعی، به تصمیماتی که گرفته می‌شود توجه می‌کنند.

افزایش رضایتمندی کارکنان برای دانشگاه بسیار مهم است و تا جایی که در توان دانشگاه باشد پیگیر جذب منابع بیشتر برای پرداخت‌ها و تبدیل وضعیت کارکنان است. پرداخت‌های دانشگاه با وجود تأخیر در پرداخت بدهی بیمه‌ها و محدودیت‌های مالی دانشگاه، به هنگام و منظم انجام می‌شود. در شرایط دشوار اقتصادی، حداقل کاری که می‌توان به عنوان مسئول انجام داد رفتار مناسب با سرمایه‌های انسانی و تقویت انگیزه آنان است.

فرهنگی‌ترین و اخلاقی‌ترین کار در دانشگاه این است که کارکنانی که در شرق و جنوب تهران کار می‌کنند بدانند و بپذیرند دانشگاه حقوق اولیه آنان را به موقع و سر ماه پرداخت می‌کند. اگر این سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد می‌توان انتظار داشت که اگر رئیس دانشگاه سخنی بگوید افراد زیرمجموعه، آن را می‌پذیرند و اجرا می‌کنند.

مدیریت دانشگاه در عین حال که پویاست ممکن است تناقضاتی هم داشته باشد.

سیاست دانشگاه در شرایط بحرانی در درجه اول حفظ سرمایه انسانی است اما در همین حال برای اصلاح سیستم، مجبور می‌شود تصمیم‌هایی اتخاذ کند که ممکن است نارضایتی‌هایی به همراه داشته باشد و در این شرایط باید مصلحت دانشگاه را در نظر گرفت.

بهترین راه حل عبور از این شرایط، تعامل و همفکری است. تا زمانی که مسئولان این دوره مسئولیت دارند باید با همفکری، همکاری و رفتار دوستانه و کمک به یکدیگر مسائل را حل کنند و اجازه ندهند کوچک‌ترین فاصله‌ای بین واحدها، باعث بروز اختلاف و توقف در کار شود.

جامعه پرستاری و پزشکی باید از هیجان‌های کاذب و واکنش‌های احساسی نسبت به مسائل صنفی خود دوری کنند؛ چرا که غفلت و اشتباه در این زمینه باعث از بین رفتن قداست پرستاری و پزشکی در جامعه می‌شود. باید مراقب بود تا با عکس‌العمل‌های کاذب و ناپجا، سرمایه اجتماعی دانشگاه خدشه‌دار نشود. در جامعه، معمولاً بدی‌ها بیشتر از خوبی‌ها به چشم می‌آید و اگر هم خوبی‌ها دیده شود، کمتر بازگو می‌شود. درست است که عوامل بیرونی در فضا سازی‌های اخیر جامعه پزشکی تأثیر داشته است؛ اما بخشی از این عوامل، به رفتار درونی فعالان این جامعه بازمی‌گردد. اگر پزشکان و پرستاران در مورد هم قضاوت نادرستی داشته باشند چه انتظاری از مردم جامعه می‌توان داشت؟

با وجود همه مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، پزشکان سوگند یاد کرده‌اند که منافع بیمار را بر منافع شخصی ترجیح دهند. لذا نباید خود را با سایر اقشار جامعه مقایسه کنند. وقتی مسئولیت پزشکی پذیرفته می‌شود، باید به اصول رفتار حرفه‌ای و تعهد حرفه‌ای نیز پایبند بود. البته آن قدرها هم که می‌گویند، نظر جامعه نسبت به جامعه پزشکی منفی نیست؛ همه پزشکان با بیماران بسیاری سروکار دارند که وقتی با مهربانی و ارتباط مناسب به درمانشان می‌پردازند؛ قدردان



زحماتشان هستند و این سرمایه ارزشمندی است. درست است که دانشگاه نسل سوم باید تولید ثروت کند؛ اما در حوزه پزشکی این ثروت فقط در دلار، یورو و ریال خلاصه نمی‌شود بلکه ثروت می‌تواند همان فارغ‌التحصیلانی باشد که با خدمت خود در رشته روان‌پزشکی و بهبود سلامت روان جامعه، ارزش می‌آفرینند. ارزشی که ممکن است در ذهن قابل تبدیل شدن به پول نباشد. لذا باید این مسائل با نگاه نافذتری مورد توجه قرار گیرد. نیروهای انسانی متخصص در بخش‌ها، سرمایه‌های انسانی سازمان هستند. باید از میان افراد برتر از هر گروه تخصصی کسانی گلچین شده و پرورش یابند تا بتوان بهنگام از توانایی، دانش و مهارتشان در مدیریت بخش‌های بیمارستانی بهره برد و این وظیفه رؤسای بخش‌هاست. باید بتوانیم افرادی بهتر و قوی‌تر از خود در بخش‌ها تربیت کنیم. این که پس از رفتن ما کارها متوقف بشود، فاجعه است. اگر دانشجویان پروری نکنیم، در خدمت به دانشگاه کوتاهی کرده‌ایم.

جانشین پروری یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی افراد است. جانشین پروری میراث مهم هر فردی است که با هر مسئولیتی از دانشگاه می‌رود. هر استادی به‌عنوان رئیس بخش یا رئیس مرکز، پس از ۴۰ یا ۵۰ سال کار در دانشگاه، وقتی بازنشسته شد نباید آن بخش دچار چالش شود؛ چراکه این هدر دادن سرمایه، زمان و امکانات دانشگاه است. دانشگاه نیاز به سرمایه اجتماعی دارد. در محیط دانشگاه باید از طریق راه‌حل‌های منطقی به این مسئله پرداخت. به هر کاری، اگر از راه درست و منطقی آن ورود نشود به نتیجه مطلوب نخواهد رسید؛ لذا با استفاده از روش‌های مناسب از طریق منطقی و استدلال و اقناع، می‌توان مجموعه را هدایت کرد. دعوت به‌خوبی‌ها در دانشگاه سه دسته کارکنان، اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان را دربرمی‌گیرد که برای هر یک ضوابط مشخصی وجود دارد و باید متناسب با شرایط آنان، برنامه‌ریزی کرد.

تشخیص و اصلاح رفتارهای اجتماعی؛ امر پیچیده‌ای

همواره تأکید بر حفظ سرمایه‌های انسانی که آسان به دست نیامده‌اند، بوده است. حفظ هیئت علمی و سرمایه‌های انسانی وظیفه مسئولان دانشگاه است. طیف گسترده‌ای از اعضای هیئت علمی با احساسات، عواطف و افکار مختلف در تمامی سطوح دانشگاه فعالیت دارند و وظیفه مسئولان حفظ این سرمایه‌های انسانی است که به سادگی به دست نیامده است. روند جذب هیئت علمی بسیار زمان‌بر است و یک فرد برای هیئت علمی شدن باید مراحل مختلفی را طی کند؛ بنابراین نباید این سرمایه‌ها راحت و ارزان از دست برود. باید وقت گذاشت و از سرمایه‌های خود محافظت کرد. این‌گونه نیست که افراد توانمند و شایسته داوطلب کار شوند بلکه باید تلاش شود مسئولان توانمند را شناسایی کرد، به کار گرفت و در مجموعه حفظ کرد.

وقتی درباره دانشگاه قضاوت می‌شود باید از چهار دیواری آن خارج شد و دید که نگاه بیرونی به دانشگاه چگونه است. بسیاری از مسائلی که به حوزه فرهنگی دانشگاه بازمی‌گردد حیطه وسیعی دارد و عوامل بسیاری بر آن و رفتار دانشجویان تأثیر می‌گذارد.

تشخیص و اصلاح رفتارهای اجتماعی به خصوص در حوزه هیئت علمی و دانشجویان امر پیچیده‌ای است. جوانان نخبه ۱۸ ساله‌ای که پس از دبیرستان، وارد دانشگاه می‌شوند به دلیل دسترسی به فضاهای علمی و مجازی، بسیاری از مسائل را بهتر و بیشتر از نسل‌های قبل از خود درک می‌کنند؛ بنابراین باید فرآیند تخصصی جامعه‌شناسی و روانشناسی و... طی شود تا بررسی کند این افراد در چه محیط خانوادگی بزرگ شده‌اند و اکنون که به دانشگاه آمده‌اند، مسئولان دانشگاه چگونه می‌توانند بر رفتار آنان تأثیر بگذارند.

نباید مسائل فرهنگی را ساده تحلیل کرد. موضوعات فرهنگی را نمی‌توان در قالب



یک یا دو برنامه اجرا کرد. دانشگاه قطعه کوچکی از پازل فرهنگی کشور است که رفتار مسئولان رده‌های مختلف بر آن اثر می‌گذارد. هر چند مسائل فرهنگی متعدد و تخصصی است اما برای اصلاح آن نباید ناامید شد و یا فکر کرد همه چیز بر عهده مسئولان بالادستی است. باید تغییر رفتار را از خود شروع کرد و در محیط کار، در حوزه دانشجویی و در بیمارستان‌ها درست عمل کرد. این گونه قطعاً نتایج خوبی به دست خواهد آمد.

امروز نسبت به گذشته مسائل پیچیده‌تر شده است. استادان باید در جلسات مختلف به اشاعه فرهنگ تعهد حرفه‌ای بپردازند. نباید اجازه داد که به سلامت مردم و آبروی کسانی که در خدمت مردم هستند و بدون چشم‌داشت خدمت می‌کنند، خدشه‌ای وارد شود. باید با اخلاق، رفتار و منش افراد را جذب تفکرات خود کرد. در گذشته جذب دانشجویان روش‌های دیگری داشت. شهید مطهری در سخنرانی‌های خود در پی افرادی بود که مخالف بودند. افراد بی‌حجاب در سخنرانی‌های ایشان شرکت می‌کردند و بعد با حجاب می‌شدند. لذا باید راه‌هایی را یافت که بتوان افراد را جذب کرد.

همه دانشجویان صرف‌نظر از افکارشان پاک هستند. دانشجویان نباید رودرروی هم قرار بگیرند. مسئله اصلی این است که کاری صورت گیرد که نخبه‌های دانشگاه از کشور خارج نشوند. دانشگاه زمانی محیطش اسلامی است که نفرت برتر آن، پس از اینکه تخصص گرفتند در کشور بمانند و مملکتشان را آباد کنند. دانشگاه از دانشجویان شور و حال فعالیت‌های دانشجویی می‌خواهد. باید همیشه به اعتراض‌های دانشجویان گوش داد و کوشش کرد که مشکلاتشان برطرف شود. باید مسائل دانشگاه، در داخل دانشگاه حل شود. دانشجوی تک‌بعدی به درد فردای کشور نمی‌خورد. دانشجو باید مطالعه، ورزش و فعالیت‌های اجتماعی داشته باشد و در کنار آن درس هم بخواند و دانشجویی که فقط درس می‌خواند

نمی‌تواند نیاز کشور را تأمین کند. دانشگاه دانشجوی تک‌بعدی نمی‌خواهد بلکه دانشجویی می‌خواهد که نسبت به شرایط و حوادث کشور حساس باشد، مسئولیت‌پذیر بوده و دغدغه مردم را داشته باشد. دانشجویی را می‌خواهد که خاستگاه خود در هر روستایی که از آن آمده است را فراموش نکند و بداند هزینه تحصیلش در دانشگاه دولتی از چه بودجه‌ای تأمین می‌شود.

در دانشکده‌ها پیش از آنکه گروه و بخش مدنظر باشد، باید دانشکده و مصالح آن را در اولویت قرار داد. باید از کارهای متفرقه که موجب از دست رفتن جایگاه دانشکده می‌شود دوری کرد. همگرایی بیشتر که خوشبختانه در این سال‌ها در دانشکده‌ها ایجاد شده است، می‌تواند هویت دانشکده را در دانشگاه حفظ نماید. انتظار از دانشجویان باید متناسب با امکاناتی باشد که در اختیارشان گذاشته می‌شود. ابتدا باید برای دانشجویی که با رتبه بالا وارد دانشگاه تهران شده است؛ یک اتاق، یک تخت، یک کمد لباس و یک میز و صندلی فراهم کرد و بعد انتظارات را با آنان در میان گذاشت. در صورت انجام این اقدامات و تأمین نیازهای اولیه برای دانشجویان می‌توان سرمایه اجتماعی به دست آورد.

اجرای برنامه‌های فرهنگی برای افزایش سرمایه اجتماعی و جذب بیشتر دانشجویان باید در دستور کار قرار گیرد. اغلب دانشجویان را با صدور دستورات عمل‌ها و انتظارهای بیش از حد، از خود دور می‌کنیم در حالی که باید آن‌ها را همانند فرزندانمان بدانیم و برای جذبشان تلاش کنیم تا تشویق‌هایمان اثرگذار شود. رؤسای بیمارستان‌ها اغلب جوان و علاقه‌مند به دانشگاه هستند و فاصله زیادی با دوران دانشجویی ندارند که این بسیار ارزشمند است. اگر بیمار و دانشجو از مجموعه حذف شوند؛ کارکرد دانشگاه دیگر معنایی ندارد. در واقع دانشگاه بدون دانشجو و بیمار دیگر دانشگاه نیست؛ لذا رؤسای بیمارستان‌ها باید دانشجویان را مانند فرزندان خود بدانند.



اعتماد به دانشجویان در انجام امور از ملزومات است. اعتماد به دانشجو باید یک اعتماد عملی باشد نه در حد حرف؛ البته ممکن است به سبب این اعتماد خطاهایی هم صورت گیرد که طبیعی است و خطاهای جزئی حتی ممکن است در یک خانواده نیز اتفاق بیفتد اما قابل اصلاح است.

اعتماد به دانشجویان زمینه را برای ارتباط واقعی و دلسوزانه بین دانشجو و مسئولان فراهم می‌کند و اگر این اعتماد نباشد با توجه به هوش جوانان و دانشجویان و پیشرفت وسایل ارتباطی ممکن است حرف‌ها و دغدغه‌های نگفته به گونه‌ای نامطلوب مطرح شود. در حالی که اعتماد به دانشجویان زمینه را برای ارتباط واقعی و دلسوزانه بین دانشجو و مسئولان فراهم خواهد کرد که با توجه به هوش و نکته‌سنجی جوانان امروزی می‌تواند کارگشا باشد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیاز جدی جامعه

دانشگاه علوم پزشکی تهران قدمت، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در کشور دارد؛ به همین سبب نگاه سایر دانشگاه‌ها به عملکرد ما بیشتر است و این وظیفه ما را سخت‌تر می‌کند. یدک کشیدن نام قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین دانشگاه فقط به حرف نیست، بلکه رئیس و معاونان دانشگاه و رؤسای بیمارستان‌ها و دانشکده‌ها باید این ظرفیت را در رفتار و تحلیلشان از مسائل نشان دهند.

در نخستین نگاه به دانشگاه تصور بر این است که دانشگاه یک وظیفه تخصصی دارد که همان تربیت طبیب، پرستار، داروساز، دندان‌پزشک و پیراپزشک است و خدمات تخصصی که به جامعه ارائه می‌دهد؛ اما دانشگاه و دانشگاهیان در کنار وظایف تخصصی خود، مسئولیت اجتماعی نیز دارند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در همه زمینه‌ها مهم است ولی در حوزه سلامت و در حوزه دانشگاه با اهمیت‌تر و شیرین‌تر است. هر سال تعداد زیادی از رتبه‌های

نخست پزشکی کشور در دانشگاه علوم پزشکی تهران ثبت نام می کنند، این ها سرمایه های خوب کشور هستند و مسئولان دانشگاه وظیفه دارند بهترین شرایط تحصیل را برای آنان فراهم کنند تا در آینده انسان های کارآمدی باشند.

مسئولیت پذیری اجتماعی نیاز جدی جامعه امروز است. در جوامع پیشرفته فعالیت در یک کار اجتماعی عام المنفعه به عنوان یکی از ملاک های جذب هیئت علمی در دانشگاه های معتبر محسوب می شود. در حالی که در ایران فاصله زیادی با این تفکر وجود دارد و می بایست این فاصله کمتر شود.

دانشگاه تهران در تمامی دوران مسئولیت اجتماعی خود را به شکل های مختلف انجام داده است. در لیست شهدای دانشگاه، با نام شهدای قبل از انقلاب، همچون شهید لبافی نژاد وجود دارد که خیابان مقابل دانشگاه به نام ایشان نام گذاری شده است. از شهدای غیر پزشکی قبل از انقلاب نیز می توان از شریف واقفی از دانشگاه صنعتی یاد کرد. این ها افرادی هستند که مسئولیت اجتماعی خود را در آن دوران به درستی انجام دادند.

مسئولیت اجتماعی در دانشگاه یعنی دانشجوی دانشگاه در کنار درس خواندن و رفع نیازهای کشور، در هر دوره ای که بر حسب شرایط به او نیاز باشد زودتر از سایرین بدود، حال می خواهد زلزله طیس باشد یا انقلاب اسلامی بهمن ۵۷.

علاوه بر حفظ سرمایه های اجتماعی، باید به فکر افزایش آن نیز بود. رشد جمعیت مسئله عمیق و همانند کوه یخی شناور در آب است که تمامی برنامه ها فقط ۵ درصد آن را که قابل مشاهده است در برمی گیرد. از هر منظری که به این موضوع نگاه کنیم یک دنیا مطلب در آن نهفته است.

سیاست های رشد جمعیت دارای ابعاد مختلفی است که برای تحقق آن نیاز به همکاری همه سازمان ها وجود دارد. باید به خوبی مسائل این حوزه را شناخت و بعد برای آن برنامه ریزی کرد.



وضعیت کشور از سال ۱۲۸۵ پس از تصویب قانون مشروطه تا سال ۱۳۸۵ و همچنین دستاوردهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان دهنده رشد شاخص‌های کشور در زمینه‌های مختلف است.

با وجود اینکه شاخص‌های کلی کشور روبه بهبود است؛ باید توجه داشت در بعضی از مسائل باید از افراط و تفریط پرهیز کرد. اجرای بعضی از سیاست‌های افراطی باعث بروز این مشکل در کشور شده و باید دید چقدر سرمایه اجتماعی وجود دارد که مردم را به فرزندآوری ترغیب کرد؟

عوامل متعددی در این زمینه وجود دارد که سبب بالا رفتن سن ازدواج و بسیاری از مسائل دیگر می‌شود. مسائل اقتصادی نیز بخشی از این موضوع است اما همه آن نیست چرا که افزایش جمعیت در کشورهای پیشرفته‌ای که رشد اقتصادی دارند؛ هم کاهش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد اتفاق‌های متعددی زیرپوست جوامع روی داده است. سالانه هزار و ۶۰۰ نفر جان خود را در حوادث ترافیکی از دست می‌دهند که البته این آمار کنترل شده در سال‌های اخیر است. در واقع عوامل بسیاری در رشد جمعیت تأثیرگذار است و توجه یک جانبه به این موضوع نمی‌تواند مشکلی را حل کند.

یکی از سیاست‌های دانشگاه در راستای فرهنگ ازدواج، ایجاد خوابگاه‌های متأهلی است. اگر دانشجوی محل اسکانی نداشته باشد نمی‌تواند ازدواج کند. دانشگاه از سیاست‌های رشد جمعیت حمایت می‌کند. دانشگاه توانایی اجرای برنامه‌های مؤثری را در این زمینه دارد که با هماهنگی و همراهی همه واحدها به خصوص نهادهای فرهنگی دانشگاه، می‌توان شاهد دستاوردهایی در این زمینه بود. دانشگاه باید پاسخگوی مشکلات جامعه باشد. دانشگاه و جامعه باید به هم نزدیک شوند و دیوارهای ذهنی بین دانشگاه و جامعه برداشته شود. دانشگاه در کنار مأموریت‌های مهم خود دو نقش اصلی آموزشی و پژوهشی را

برعهده دارد و بایستی این آمادگی را داشته باشد که بتواند به نیازها و سؤالات جامعه پاسخ دهد.

دانشگاه علوم پزشکی تهران، یک دانشگاه پاسخگو است و بسیاری از افرادی که امروز دغدغه‌شان مسئولیت اجتماعی دانشگاه است، در همین دانشگاه تربیت شده‌اند. دانشجو باید انسانی تربیت شود که وقتی پشت میز نشست و مسئولیتی را عهده دار شد دانشگاه را تنها محلی برای کسب پول و شهرت نبیند و برای رفع مشکلات حوزه سلامت کشور تلاش کند. تشویق و ارتقا نخبگان دانشگاه در کنار رقابت و ارزیابی سالم باعث تربیت مدیرانی می‌شود که وقتی پشت میز مسئولیت می‌نشینند، تصمیماتشان بر پایه منافعشان نیست و جوی آب را به مزرعه خودشان هدایت نمی‌کنند. مسئولان دانشگاه باید صبورترین افراد در مجموعه باشند. کشور با بحران‌های بیرونی و درونی بسیاری مواجه هست، مسئولان دانشگاه باید صبورترین و با ظرفیت‌ترین افراد در مجموعه باشند و در مواجهه با مسائل خواسته و ناخواسته مختلف مانند ویروس کرونا و... با تأمل و تعمق بیشتری برخورد کنند. نگاه دوراندیشانه به دانشگاه و مسائل آن داشته باشند؛ دستخوش احساسات و هیجانات نشوند و محکم و منطقی با مسائل روبرو شوند. مهم‌ترین اصل همکاری، تعامل و صداقت است، اگر افراد این دو ویژگی را نداشته باشند همکاری خوب پیش نمی‌رود. لذا آنچه باعث پیشبرد کارها می‌شود تعامل، صداقت، صمیمت و دوستی است.

کرونا و ظهور مسئولیت اجتماعی دانشگاه

دانشگاه با سربلندی مسئولیت تاریخی خود را در این بحران به انجام رساند. دانشگاه علوم پزشکی تهران به‌عنوان دانشگاه مادر، در این بحران بسیار خوب عمل کرد و دوستان و همکاران در رده‌های مختلف پزشکی، پرستاری، پشتیبانی



و خدماتی خوش درخشیدند و همکاران دانشکده‌ها نیز از این فعالیت‌ها به خوبی پشتیبانی کردند.

در روزهای اول شروع بحران، وحشت زیادی به دلیل ناآشنایی با این ویروس و ناآگاهی از چگونگی مواجهه با بیماران به وجود آمد و همین نبود شناخت باعث شد که عده زیادی میدان را خالی کنند ولی در دانشگاه علوم پزشکی تهران خوشبختانه چنین نبود. پرستاران و کارکنان بخش‌ها، داوطلبانه در روزهای طولانی می‌ایستادند و خدمت می‌کردند. بسیاری آلوده و بستری شدند و به مدت طولانی بیمار بودند اما باز به کار برگشتند و همین ایثار و از خودگذشتگی باعث شد که دانشگاه علوم پزشکی تهران با تمام ظرفیت در بیمارستان‌های زیرمجموعه در خدمت مردم باشد. میزان خدمت‌رسانی‌ها نسبت به وسعت جمعیتی که تحت پوشش دانشگاه است نشان می‌دهد که چه در حوزه بهداشت و چه در بیمارستان‌های چهارده‌گانه دانشگاه، مسئولیت اجتماعی، اخلاقی و انسانی نمود بارزی داشته است. مدیریت کرونا در بیمارستان‌های دانشگاه، نماد عملکرد موفق و تاب‌آوری نظام سلامت کشور بود. در این دوران بحرانی دانشکده‌ها نیز تلاش کردند که با کمترین آسیب، بیشترین حفاظت، آموزش و خدمت‌رسانی صورت گیرد. در این مدت با راه‌اندازی سامانه صدای ماما، پرستار و سلامت روان پاسخگوی مردم بودند. این اقدام در راستای مسئولیت اجتماعی دانشکده‌ها بود که باید تداوم پیدا کند.

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های دانشگاه، کم‌حاشیه بودن در امر آموزش و درمان است. در این شرایط که دانشجویان استرس مسائل کرونا را در خوابگاه و جامعه دارند، در برگزاری کلاس‌ها و امکانات حفاظتی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، باید تعامل بیشتری با آنان برقرار شود و با تلاش‌های معاونت‌های دانشجویی و آموزشی در حوزه آموزش دانشجویان مشکلی وجود نداشته باشد.

دانشجویان دغدغه مند و امیدوار نماد سرمایه اجتماعی در بحران کرونا هستند. این حادثه، همانند دوران دفاع مقدس دوران باشکوهی را برای کشور رقم زد. باید سرمایه اجتماعی که در بحران کرونا به وجود آمد را حفظ کنیم این سرمایه اجتماعی بسیار ارزشمند است و به همان سرعتی که شکل گرفت ممکن است به فراموشی سپرده شود و این وظیفه مسئولان دانشگاه است که این فرهنگ و سرمایه اجتماعی را در حوزه پزشکی و پرستاری حفظ کنند و این در صورتی میسر می شود که اول مسئولان خودشان به این سرمایه باور داشته باشند. نخواهند نان کرونا بخورند و نام کرونا را یدک بکشند. باید مسئولیت پذیر باشند.

سرمایه اجتماعی خوبی در نظام سلامت کشور، دانشگاه و بیمارستان های دانشگاه به وجود آمده که بسیار ارزشمند است و باید با عملکرد خوب این سرمایه ها حفظ و از سرمایه سوزی جلوگیری شود. موفقیت دانشگاه مرهون روحیه همکاری در آن است و روحیه همکاری در دانشگاه علوم پزشکی تهران به دلیل قدمت و حضور شخصیت های تاریخی که از ابتدا در آن بودند شکل گرفته است و همین روحیه، در بحران پاندمی کرونا نیز به کمک دانشگاه آمد. خدمات صادقانه و متعهدانه ویژگی اصلی سرمایه عظیم انسانی دانشگاه است. سرمایه های والای انسانی که در سطوح مختلف اعم از استادان، رزیدنت ها، فارغ التحصیلان عمومی و تمامی کارکنان در مجموعه بیمارستان های دانشگاه، طی این سال ها خدمت کرده و می کنند؛ به دانشگاه تعصب دارند و نوع عملکرد و خدمت رسانی شان همواره خالصانه بوده است.

دانشجویان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

در سال ۱۳۵۳ وارد دانشگاه تهران و در اولین برخورد با هیجانانگیز آذرماه مواجه شدم. سیزدهم و چهاردهم آذر بود که نیروهای گارد وارد دانشگاه شده و



دانشجویان به سالن ابن سینا پناه آوردند. این روند تا قبل از انقلاب ادامه داشت. سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ فضای متفاوتی در دانشگاه حاکم بود و نماز جماعت در مسجد دانشگاه با حضور تعداد کمی از دانشجویان برگزار می‌شد. در بعضی ایام مانند آذرماه مسجد دانشگاه تعطیل بود و دانشجویان در فضای سبز مقابل مسجد نماز می‌خوانند. در مجموع فضای مذهبی دانشگاه در جمع محدودی از دانشجویان خلاصه می‌شد، اما رفتار و عملکرد همین تعداد محدود جاذبه بسیاری داشت و رفتار خوب آنان دانشجویان تازه‌وارد جذب فعالیت‌های مذهبی و سیاسی می‌شدند. به برکت انقلاب و خون شهدا دانشجویان امروز می‌توانند در کنار مسئولان دانشگاه بنشینند و به آسانی حرف‌هایشان را بزنند.

راه عمل به تعالیم قرآن دشوار و طولانی اما امکان‌پذیر است. افراد زیادی در این راه قدم گذاشته و در دوران قبل از انقلاب، دفاع مقدس و دوران سازندگی جانشان را در راه عقایدشان فدا کرده‌اند. این نسل در هر مسئولیتی که باشند انسان‌های سالمی هستند و می‌توانند الگوهای خوبی باشند.

با وجود شرکت در اغلب سخنرانی‌های استاد مطهری، هیچ‌کس از بر خورد ایشان با دانشجویان و مردم به خاطر ندارم. حتی در پایان یکی از سخنرانی‌ها در مورد یک موضوع تاریخی با ایشان بحثی کردند که سال‌ها، پس از اینکه بسیاری از مسائل روشن شد؛ متوجه رفتار پدران ایشان در آن گفتگو شدم. ای کاش همه کسانی که نقش معلمی را در جامعه بر عهده دارند از این اخلاق الگو بگیرند.

از استاد مطهری سنت‌های ارزشمندی به یادگار مانده است و استادان باید به‌عنوان معلمان دانشگاه از آن درس گرفته و سعی کنند جاذبه‌شان بیشتر از دافعه‌شان باشد.

آزادگان چراغ‌های پرفروغ اجتماع

باید تجربیات و خاطرات آن دوران به نسل‌هایی که آن را تجربه نکرده‌اند منتقل شود. مسئولان باید سخنان آزادگان را بشنوند و از تجربیات آن‌ها بهره‌مند شوند. آن‌ها شرایط دوران قبل از انقلاب، انقلاب، جنگ، سازندگی و اکنون را درک کرده‌اند. آری! اسارت را تنها کسی می‌تواند درک کند که طعم آن را چشیده باشد و آزادگانی که توانستند آن شرایط بسیار سخت را تحمل کنند؛ می‌توانند چراغ‌های فروغی برای هم‌نوعان خود در محل کارشان باشند و به‌گونه‌ای رفتار کنند که دیگران تحت تأثیر آنان قرار دهند. قرار نیست هر روز جنگ، شهادت و اسارت را تجربه کرد؛ امروز درهای دیگری برای کار و خدمت باز است. روحیه ایثارگری هنوز ادامه دارد؛ باید فکر کرد ممکن است فرصت دیگری برای اثرگذاری بر جامعه و مردم پیش نیاید. لذا وظیفه نسل قبلی است که این روحیه را به نسل‌های بعدی منتقل کند؛ کسی که بهترین دوران زندگی خود را در اسارت گذرانده است می‌تواند بسیار اثرگذار باشد و سختی‌ها را راحت‌تر پشت سر بگذارند. با این امیدواری که خاطرات و تجربیات ارزشمند آزادگان همیشه در ذهن‌ها باقی‌ماند باید از رفتار خود مراقبت و از وقت خود در کار دولتی درست استفاده کرد.

روحیه دفاع مقدس محور عملکرد نظام سلامت

شرایط کنونی همانند دوران دفاع مقدس است. در آن زمان گاهی یک بخش را تعطیل و مجروحان را به آن منتقل می‌کردند. این امر برای همه قابل‌پذیرش بود و استادان به درمان مجروحان می‌پرداختند. اکنون هر چند جنگی در کار نیست اما شرایط همان‌گونه است و مجروحان ما نیز همان کمبود نقدینگی، دارو و تجهیزات ... هستند. بازماندگان هم بازمانده همان جنگ و کهنه‌سرباز هستند؛ یا باید در این جنگ شرکت کنند و یا تسلیم شوند و کنار بروند. بازماندگان که قصد



تسلیم شدن ندارند و نباید هم داشته باشند؛ پس باید با تمام انرژی تلاش کرد. ریاست دانشگاه بارها از عملکرد رؤسای بیمارستان‌ها دفاع کرده است. رؤسای بیمارستان‌ها و دیگر مسئولان دانشگاه، براساس اعتقادات خود ایستاده‌اند و کار می‌کنند. اگر قرار بود منطقی کار کنند باید مسئولیت راها می‌کردند و در پی رشد و پیشرفت خود می‌رفتند؛ اما اکنون که به دلایل مختلف این مسئولیت را پذیرفته‌اند حداکثر تلاششان را برای برطرف کردن مسائل به کار می‌برند.

شهادای گمنام و مدافعان سلامت

شهدا گمنام نیستند، بلکه کاملاً آشنا هستند. چراکه وقتی به سال‌های نه‌چندان دور نگاه می‌شود، به زمان فتح المبین به رمضان، مسلم ابن عقیل، خبیر، والفجر مقدماتی به والفجر ۱۰، ۹، ۸، ۳، ۲، ۱، ۴، ۵، ۲، ۱ و به هر کدام از عملیات‌ها، این شهدا خیلی آشنا هستند. شاید برای عده‌ای گمنام باشند ولی برای نسل قبلی کاملاً آشنا هستند. امید است تنها به بیان خاطرات آن دوران اکتفا نکنیم، بلکه بتوانیم در عمل به اندیشه‌ها، اعتقادات و رفتارهای آن عزیزان که امروز اسمشان را گمنام گذاشته‌اند عمل کنیم.

خاطره‌ای از دوران جنگ به یادم آمد در ایام مهر در عملیات مسلم ابن عقیل، مجروحی در اورژانس خط مقدم پانسمان می‌شد که پای راستش از بالای ران قطع شده بود. کمی آرام کار می‌کردند؛ مجروح به ایشان تذکر داد که «عجله کنید چرا اینقدر آرام کار می‌کنید.» تیم اورژانس گفتند «چرا مگر کجا می‌خواهی بروی؟» گفت: «جنازه برادر شهیدم در ماشین است و می‌خواهم همراه او بروم!» آن رزمنده با روحیه‌ای قوی اصلاً نگران قطع پایش نبود. حال آنکه برای من دانشجوی دانشگاه تهران که در این محیط بزرگ شده‌ام و در انقلاب و پیش از انقلاب صحنه‌های این گونه را دیده بودم این نکته بسیار آموزنده بود.

خاطره دیگری از عملیات خیبر در ایام عید در جزیره مجنون دارم. آن روزها از روی پل، یازده کیلومتر پیش رفته بودیم و از خانواده هیچ خبری نداشتیم. معمولاً هم عادت به تلفن کردن نداشتیم. وقتی از جزیره مجنون سالم برگشتیم چون ایام عید بود و از خانواده بی خبر بودیم، یکی از همکاران چشم‌پزشک در سپاه که خدا رحمتشان کند، به من و یک نفر دیگر که از مجنون سالم برگشته بودیم گفت: به ستادی که قرار بود از آنجا به سمت تهران حرکت کنیم بروید و به خانواده‌هایتان تلفن کنید و خبر سلامتتان را اعلام کنید. ما هم به اتاقی که تلفن داشت رفتیم. وقتی وارد اتاق شدیم برادری جلوی ما را گرفت و گفت برادر کجا؟ گفتیم دکتر فلانی گفت که به خانواده تلفن بزنید، گفت اصلاً مگر با بیت المال می‌شود شوخی کرد، قابل توجه آن‌هایی که امروز بیت المال دستشان است!

امروز عملیات‌های مختلفی در پیک‌های مختلف کرونا داشته‌ایم و هر دوره بیمارانی مشابه مجروحان دفاع مقدس دیده‌ایم و مدافعان سلامت نیز همان اندیشه‌ها را در عمل پیاده کرده‌اند.

دفاع مقدس و حفظ مرزهای علمی، فکری و فناوری

امروزه کشور در جنگی دیگر و متفاوت‌تر از هشت سال جنگ تحمیلی قرار دارد؛ تفاوت جنگ امروز که جنگ اقتصادی نامیده می‌شود در این است که اگر در دفاع مقدس شیپور جنگ نواخته می‌شد، همه آماده بودند و برای پیروزی کمک می‌کردند، اما امروز صدای شیپور جنگ به گوش همه نمی‌رسد، در حالی که این جنگ بسیار جدی‌تر از جنگ قبلی است.

در دوران هشت سال دفاع مقدس، کشور سربازان بسیار خوبی داشت، اما امروز علاوه بر آن سربازان، سربازان دیگری نیاز است که به نظر می‌رسد این سربازان نیروهای نخبه‌ای هستند که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند. این سربازان



گاهی با تبلیغاتی از آن سوی مرزها و گاهی با تبلیغاتی که در امتداد تبلیغات خارجی در داخل صورت می‌گیرد به راحتی مایوس و دلسرد می‌شوند و نیاز به توجیه بیشتری دارند. باید با آن‌ها بیشتر صحبت شود، تا حقایق را بهتر بپذیرند. اگر در هشت سال دفاع مقدس رزمندگان و خانواده‌های بسیاری با جان و آبروی خود مرزهای خاکی کشور را حفظ کردند، امروز وظیفه دانشگاهیان و بدنه اجرایی کشور است که مرزهای علمی، فکری و فرهنگی و نیروهای متخصص کشور را حفظ کنند تا موجب قضاوت آیندگان نشوند.

دانشجویان نمونه، بهترین مدافعان کشور

برگزیده شدن دانشجویان شاهد و ایثارگر بهترین و زیباترین دفاع از آرمان‌های شهدا، ایثارگران و جانبازان است. امروز آن‌ها نه به عنوان بازماندگان شهدا و ایثارگران بلکه به دلیل سطح بالای علمی‌شان، بالاترین دفاع را از آن نسل کرده‌اند. دانشجویانی نمونه هستند که در همه ابعاد رشد کرده‌اند، یعنی در کنار پیشرفت علمی و پژوهشی، تاریخ و گذشته خود را بدانند و آن را فراموش نکنند؛ نیاز امروز کشور را بدانند و برای رفع این نیاز درس بخوانند و به خاطر حفظ مملکتشان امتحان را رها کنند و در شرایط عادی کتابشان را از خود جدا نکنند و اگر فردا هم مشکلی پیش آمد حاضر به دفاع از کشور شوند.

ویژگی‌های روحی رزمندگان مثال‌زدنی است. وصیت آن‌ها در عملیات فتح المبین سبب نام‌گذاری فرزند دوم من به نام حسین بود. چند ماه پس از این عملیات، یعنی در مهر سال ۶۱ که در روزهای اول رزیدنتی ام بود در عملیات مسلم بن عقیل شرکت کردم. محل خدمت ما معمولاً اورژانس‌های خط مقدم بود و این بار در منطقه بیابانی سومار اورژانس صحرائی برپا شده بود.

در عملیات کربلای ۱ در مهران، هنوز یکسال به امتحان بود تخصصی باقی مانده

بود اصرار داشتم در همان سوله‌های جبهه از ما امتحان شفاهی خورد جراحی را به صورت آزمایشی بگیرند. عملیات کربلای ۴، از نظر زمانی، نزدیک به امتحان خورد جراحی عمومی بود. در آن عملیات نیز شرکت کرده و پس از بازگشت مشغول درس خواندن شدم تا خود را برای بزرگ‌ترین امتحان تخصصی جراحی آماده کنم. یک ماهی نگذشته بود که گفتند باید به عملیات دیگری بروم؛ امتحان خورد راها کرده و به عملیات کربلای ۵ رفتم.

تکریم بازماندگان دفاع مقدس

کسانی که سال‌های ۵۹ تا پایان جنگ را به یاد می‌آورند، می‌دانند که چه دوران سختی پشت سر گذاشته شده است. در زمانی که شرایط خاصی در کشور حاکم بود، افراد خاصی حاضر به کمک بودند که بخشی از آن‌ها شهید و بخشی دیگر اسیر و جانباز شدند. برای نسل امروز که از نزدیک شاهد دوران دفاع مقدس نبوده اند یادآوری جانفشانی‌ها و ایثارگری‌های رزمندگان نوعی ادای دین محسوب می‌شود. افرادی که خود یا خانواده و فرزندان‌شان از آن دوران باقی مانده اند، با عوارض و آسیب‌های مختلفی روبرو هستند. اکنون زمان خدمت‌رسانی به آن‌هاست. مسئولان باید حواسشان به بازماندگان جنگ باشد و قدر و منزلت آن‌ها را بدانند.

توجه به جنبه‌های شخصیتی سرداران دفاع مقدس

مسئولیت اجتماعی در دانشگاه یعنی دانشجوی دانشگاه در کنار درس خواندن و رفع نیازهای کشور، در هر دوره‌ای که بر حسب شرایط به او نیاز باشد زودتر از سایرین بدود، حال می‌خواهد زلزله طبس باشد یا انقلاب اسلامی بهمن ۵۷. در گرامیداشت یاد سردار دل‌ها، سردار سلیمانی عزیز لازم است به جنبه‌های



آموزنده شخصیت ایشان پرداخت. پیش از این تصور می شد که از مدرسه و دانشگاه، معلم بیرون می آید ولی پس از شهادت ایشان مشخص شد که از دل جبهه و جنگ، معلمی بیرون می آید که از خودگذشتگی او برای وطن و دین، رفتار و منش و مکتب فکری اش برای بسیاری از انسان ها آموزنده تر و عملی تر از درس های مدرسه و دانشگاه است.

شهدا، شمع محفل و قلب تاریخ

جمله معروفی از شهید مطهری وجود دارد که «شهدا شمع محفل بشریت اند». خاصیت شمع این است که می سوزد و روشنایی می دهد. شهدا همچون شمعی که می سوزد و آب می شود؛ جوامع بشری را روشن و انسان ها را هدایت می کنند. حیف است به جمله معروف دکتر شریعتی اشاره نشود که «شهید قلب تاریخ است». قلب عضوی است که خون را به همه اندام های بدن می رساند و به جسم بی جان انسان، زندگی می بخشد. شهدا در این دو جمله چه زیبا به شمع و قلب تاریخ تشبیه شده اند.

دانشگاه توانمند و مستقل، تحقق آرمان انقلاب اسلامی

بیمارستان امام خمینی (ره) تنها مرکز کشور است که هم زمان پیوند ۵ ارگان در آن انجام می شود. این یعنی علم، استقلال، غیر وابستگی و مرگ بر آمریکا، یعنی نیاز نداشتن به اعزام بیماران به کشورهای دیگر برای درمان؛ یعنی همان جوانانی که ۴۰ سال پیش به جبهه رفته اند، امروز این پیوندها را انجام می دهند؛ یعنی نتیجه ایستادن و کار کردن در دانشگاهی که غیر وابسته و مستقل است.

لزوم تقویت ارتباط حوزه و دانشگاه

۴۵ سال پیش، در ماه‌های اولی که به دانشگاه تهران آمده بودم برای نخستین بار با شهید مفتاح و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد جاوید خیابان شریعتی ملاقات کردم. شب شهادت امام صادق (ع) بود و در آن زمان شهید مفتاح ممنوع المنبر بودند و آیت‌الله خامنه‌ای که جوانی حدود ۳۵ ساله بودند، سخنرانی کردند. پس از آن در مساجد مختلف پای سخنرانی آقایان نشستم و در جلسات بعدی با شهید مطهری آشنا شدم. آنچه در این سخنرانی‌ها دیده می‌شد این بود که سخنرانان به راحتی خود را در معرض دانشجویان و سؤالات آنان قرار می‌دادند و به نوعی خود را متولی پاسخ به جوانان دانشجوی آن زمان می‌دانستند. شهید مطهری وقتی از منبر پایین می‌آمدند دانشجویانی را برای بحث پیدا می‌کردند که مسئله‌دار باشند نه دانشجویان کم مسئله و بی مسئله؛ امروز نیز دانشگاه به وجود همچنین فضایی نیاز دارد.

مقایسه جنگ دوران دفاع مقدس با جنگ کرونا

مقابله با کرونایک جنگ است و رؤسای بیمارستان‌ها به عنوان فرمانده مراکز هستند و باید بروند و کار کنند. در جنگ ایران و عراق نیز که خیلی از حاضرین در جلسه در آن حضور داشته‌اند، دشمن روبرو و کاملاً مشخص بود و همه با انگیزه‌های مشخص وارد عرصه جنگ می‌شدند. ولی امروز شرایط کشور بسیار تغییر کرده و دشمنی که حمله کرده نیز بسیار متفاوت است. در آن زمان بسیاری از کشورها به صدام کمک می‌کردند و در مقابل رزمندگان ایرانی تنها بودند. ولی امروز یک دشمن به همه دنیا حمله کرده و همه دنیا در کنار هم قرار گرفته‌اند و امریکا، انگلیس و اسپانیا، ایتالیا و فرانسه در همان خطری هستند که ایران هست. در مجموع تفاوت این جنگ با جنگ ایران و عراق، در دشمن و نوع کنار هم قرار



گرفتن کشورهاست که بسیار متفاوت و پندآموز است. در این ایام فرصت شد تا خاطرات اوایل انقلاب اسلامی و دوران جنگ و پس از آن و نیز تجربه عملیات فتح المبین در فروردین سال ۶۱، ۲۵ اسفند سال ۶۲ پس از عملیات خیبر عبور از آن پل معروف جزیره مجنون، سال ۶۴ عملیات والفجر ۸ و ۹ و ۱۰ که آخرین عملیات حلبچه در فروردین سال ۶۶ بود و همین طور کربلای ۴ و ۵ در دی و بهمن همان سال را مرور کنم. از یکی از این عملیات‌ها دست‌نوشته‌ای دارم که مربوط به عملیات فتح المبین در سال ۶۱ است و آن را در برگه‌ای که مربوط به وزارت بهداشتی و سازمان منطقه‌ای استان ایلام بود نوشته‌ام. در اینجا چند پاراگراف از این دل‌نوشته را برایتان می‌آورم. البته مقصود فقط مقایسه آن دوران با شرایط فعلی است.

در بالای صفحه مطلبی نوشته‌ام با این مضمون «در صورت شهید شدن اینجانب از یابنده این برگه‌ها خواهشمند است با هر وسیله ممکن و با هر مقدار هزینه، این نوشته را به دست خانواده‌ام برساند و آدرس دقیق خانواده‌ام را نوشته‌ام. بازهم تأکید کرده‌ام حامل نامه می‌تواند وجهی که برای فرستادن این برگه‌ها هزینه کرده است را از خانواده‌ام بگیرد یا خود، بهای آن را ببخشد.» در ادامه دل‌نوشته آورده‌ام «به نام خداوند بخشنده کریم؛ ساعت ۱۰ و نیم شب ۲۹ اسفند سال ۶۰ است. همه چیز به سرعت مهیا می‌گشت، جهادگران خدا یارشان باشد؛ به سرعت می‌ساختند و می‌رفتند، راه، ساختمان، بیمارستان صحرائی، سنگر و همه چیز، پیرمردهای اصفهانی، جهادگر، بی‌مزد و منت کار می‌کنند و نماز جماعت می‌خوانند و غذای ساده می‌خورند و بدون نق تمام‌روز را کار می‌کنند و می‌روند. توگویی هیچ‌کس را جز خدا، مزد بده نمی‌پندارند. این مزرعه‌ای است که همه برای آخرت بذرش می‌پاشند.» در بخش دیگری از آن نوشته‌ام «چقدر نوشتنی به نظر می‌رسد؛ ولی حیف که قلم و ذوقم عاجز است از نوشتن. ولی احساس‌ها

شدید است و نمی‌توان همه چیز را روی کاغذ آورد. اینجا همه چیز بوی حسین (ع) می‌دهد. نام بیمارستان امام حسین (ع) و گروه رزمنده تیپ امام حسین (ع) است. چقدر زیباست این اسم. راستی من فرزندی در راه دارم اگر پسر بود حتماً نامش حسین است. آخر چقدر این اسم اینجا کارساز است و همه به عشقش کار می‌کنند و به عشقش سینه می‌زنند و گریه می‌کنند. ایام هم ایام فاطمیه است و مربوط است به مادر حسین (ع)، زهرا (س)، چه زیباست؛ جوانان معصومی را می‌بینیم که چه گریه‌ای می‌کنند به نام فاطمه زهرا (س)، خدایا اگر بچه‌ام دختر بود نامش حتماً زهرا (س) است. خدایا شهادت را به ما هم که بنده گناهکارت هستیم عطا می‌کنی؟ به هر حال هر چه خدا بخواهد؛ من که نمی‌دانم مشیت او چیست؛ ولی هر چه باشد به مشیت خدا راضی هستیم. خدایا تو را به جان مهدی ما را همیشه به راحت ببر و ما را یک لحظه به خود وامگذار. ای هستی بخش جهان! ای که همه چیز از آن توست و ما هیچ کاره ایم! جان، بی ارزش‌ترین چیزی است که در اختیاردارم و حاضرم خیلی راحت از تن به در شود. ولی خدایا تو از ما خشنود باش! خدایا مگر جان، از من است که بیخشم؛ از خودت است یک روز امانت داده‌ای به من و امروز می‌خواهی امانتت را پس بگیری. انا لله و انا الیه راجعون! البته من خیلی اهل قلم نیستم و این چند سطر را به زبان ساده نوشتم.»

پاسخ به نیاز جامعه

افتتاح و رونمایی از دستاوردهای مراکز تحقیقاتی تداعی‌کننده همان امیدآفرینی‌ها و شور و شوق سال ۵۷ است و تبلور آن شور و شوق، همان چیزی است که دانشگاه درصدد رسیدن به آن در ترجمان علم و دانش، تلاش و امیدآفرینی است. دانشگاه امروز، دانشگاهی پاسخگو در راستای حل مشکلات جامعه است و کشوری که به دانشگاهش اهمیت ندهد پیشرفت نمی‌کند. نگاه



اعضای هیئت علمی و رویکرد مراکز تحقیقاتی بر انجام پژوهش‌های مسئله محور است، در گزارش مراکز تحقیقاتی رویکرد پاسخ به نیازهای جامعه به خوبی دیده می‌شود. اعتیاد مشکل ریشه‌دار و قدیمی در کشور است و مرکز ملی مطالعات اعتیاد، یکی از محل‌های تلاقی دانشگاه و پاسخگو به حل مشکلات در زمینه اعتیاد است.

در بحران کرونا دانشگاه عزیزانی از اعضای هیئت علمی، کادر پرستاری و کارکنان دانشگاه را از دست داد و این نشان می‌دهد که همه حوزه‌های دانشگاه اعم از درمان، بهداشت، آموزش، پژوهش، ستاد و پشتیبانی به گونه‌ای درگیر این بحران بوده‌اند و یاد شهدای مدافع سلامت باید همیشه زنده بماند.





روایت
همگرای

۳۴۶

